

۱- بیان مسئله :

در جوامع مدرن پدیده های جدید به مرور زمان و بطور تدریجی در همان جوامع به اقتضای مسائل و مشکلات و نیازهای آنجا ابداع شدند، و موجب یک رشد تدریجی در طول تقریباً ۲۰۰ سال در همه زمینها از صنعت و کشاورزی و پزشکی گرفته تا فیزیک و نجوم و بیولوژی ... شد. به تدریج به اقتضای رشد هر بخش تقسیم کار و انواع مشاغل بوجود آمد. تولیدات داخلی متناسب با ساختار فرهنگی و نیازهای موجود جامعه افزایش یافت، ابزار بهتر ارضاء نیاز ارائه شد و در عین حال به علت رشد اقتصادی همسو با نیازها و متعادل (تدریجی و در همه زمینها) درآمدها نیز افزایش یافت و به مردم امکان تهیه ابزار جدید ارضای نیاز را می داد. در چنین جوامعی نیز فرایند مقایسه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و لذا فرایند پیدایش نیاز نیز وجود داشت و دارد، اما از آنجا که دستیابی به ابزار جدید ارضای نیاز در حد نیاز احساس شده در هر قشر و گروهی بطور ذهنی امکان پذیر به نظر می رسد، احساس نارضایتی از وضع موجود کم است و اگر اینجا و آنجا احساس نارضایتی بوجود آید، عموماً در حد قابل کنترل می باشد و عنان جامعه از دست اداره کنندگان آن خارج نمی شود. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸ (ب): ۳۵-۳۴ با اندکی تخریص)

ولی در جوامع در حال توسعه از جمله کشور ما ایران امکان رشد اقتصادی مستمر عملاً وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد - بنابر نتایج تحقیقات (Muller, Edward N. ۱۹۹۵: ۹۷۲-۳) - به علت شدت نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی عموماً در دست درصد کوچکی از اعضای جامعه است، بنابراین امکان بروز نارضایتی بیشتر فراهم می آید.

علاوه بر آن با قرار گرفتن در مسیر مدرنیته در کشور های توسعه نیافته به کاهش باورهای تقدیر گرایانه می انجامد؛ که آن نیز سبب نارضایتی می گردد. (رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۷: ۷۴-۷۳ با اندکی تخریص)

هنگامی که نظام فرهنگی جامعه الگوهایی را ارائه می نماید که نظام اقتصادی امکان برآورده شدن مطلوب اهداف در چارچوب آن الگوها را ندارد. پیامد آن ارضاء نشدن نیازها است، که باعث نارضایتی می گردد. نتایج پیمایش « ارزشها و نگرشها » نیز مؤید وضعیت مذکور است؛ به طوریکه بر اساس نتایج این تحقیق « ۵۶ درصد جوانان خود را فاقد شادابی و نشاطی که یک جوان باید داشته باشد؛ می دانند (وضعیت و نگرش جوانان. ۱۳۸۱: ۶۰). تا جائیکه نتایج پیمایش مذکور محققان را واقعاً نگران کرده و هشدار می دهند که « وضعیت بهداشت روانی جوانان واقعاً نگران کننده و هشدار دهنده است » (وضعیت و نگرش جوانان. ۱۳۸۱: ۱۵۹). به نظر می رسد وضعیت مذکور در مورد جوانان تحصیل کرده وخیم تر باشد. زیرا جوانان تحصیل کرده عموماً در خانواده هایی رشد کرده اند که والدینشان علیرغم داشتن سطح تحصیلاتی پایین تر از وضعیت معیشتی مناسبتری در زمان جوانی خود نسبت به فرزندان امروز خویش برخوردارند (مقایسه نسل موجود با نسل گذشته). ثانیاً دانشجویان تحصیل کرده انتظاراتی بالاتر - به ویژه در حوزه اشتغال - نسبت

به سایر جوانان دارند. بنابراین قابل پیش بینی است که رضایت از زندگی آنها به طور قابل توجهی تنزل یافته باشد. نتایج پیمایش «وضعیت نگرش جوانان» نیز کم و بیش مؤید آن است.

«به لحاظ متغیر تحصیلات؛ بیشترین سطح سلامت روانی متعلق به جوانانی است که تحصیلات آنها راهنمایی، دبیرستان، فوق لیسانس و مقاطع بالاتر است و جوانان پیش دانشگاهی و دانشجویان دوره های فوق دیپلم و لیسانس از این بابت در وضعیت بدتری هستند».(وضعیت نگرش جوانان. ۱۳۸۱، ۲۳۸)

با توجه به اینکه ایران به لحاظ ساختار جمعیتی، کشوری جوان محسوب می گردد شناخت مسائل و مشکلات جوانان اهمیت بسیاری دارد. زیرا چرخهای اقتصاد کشور در آینده به وسیله آنان به گردش در می آید و سرمایه های فرهنگی توسط آنان حفظ می شود.

بنابراین، با پدیده ایی مواجه هستیم که اولاً جمعیت فراوانی از جوانان جامعه را در بر می گیرد؛ ثانیاً جمعیتی سرنوشت ساز (دانشجویان) هستند و کاهش رضایت از زندگی پیامدهایی را به همراه می آورد که می تواند زمینه ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی دیگر گردد.

۲- اهمیت پژوهش:

یافته های پژوهشی حکایت از آن دارند که رضایت افراد از یک حوزه خاص از زندگی (مثلاً اشتغال یا خانواده) تنها متأثر از شرایط موجود در آن حوزه نیست؛ بلکه متأثر از رضایت کلی فرد از زندگی نیز می باشد. (N. Mcintosh, ۲۰۰۱, p: ۵۳)

به تعبیری دیگر چنانچه ارتقاء رضایت فرد در هر حوزه ای از حوزه های زندگی هدف باشد؛ نباید صرفاً در صدد رفع نیازهای فرد در همان حوزه بود بلکه باید به رضایت کلی فرد از زندگی نیز توجه نماییم. چنانچه اشخاص در یک زمینه عام مطلوب، آرام و رضایت بخش به سر ببرند؛ سپس اگر حادثه ای ناگوار در حیطه خاصی از زندگی برای آنان رخ دهد (مثلاً به لحاظ شغلی، شخص شغلش را از دست بدهد) با آسیب روانی کمتری مواجه می گردد. بنابراین شناخت "رضایت از زندگی" و عواملی که سبب پیدایش یا کاهش آن می شود حائز اهمیت است. نکته دیگری که قابل ذکر است « تأثیر رضایت از زندگی در مشارکت اجتماعی، حضور با نشاط دانشجویان در تشکل های مدنی و نقش پیش گیری کننده آن در جلوگیری از افسردگی، بی تفاوتی، پرخاشگری، اعتیاد و خودکشی و فرار مغزها است.» (غفاری، مسعود، ۱۳۸۱: ۲۳ و ۲۲)

موارد مذکور هر یک مسئله ای در خور توجه است که افزایش آن سبب ساز مشکلاتی هم در سطح میانه (دانشگاه) و هم در سطح کلان (جامعه) می گردد. لذا یکی از اهداف محقق بررسی تغییرات رضایت از زندگی بر حسب جنس، گروههای آموزشی، مقطع تحصیلی و وضعیت استقرار (بومی - خوابگاهی) است تا از آن طریق برای دسته هایی که در داخل دانشگاه رضایت از زندگی کمتری دارند؛ به فراخور امکانات دانشگاه پیشنهادات راهبردی ارائه گردد.

به لحاظ تئوریک این پژوهش از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست ویژگی خاص جامعه آماری آن است یعنی از آنجائیکه در این پژوهش دانشجویان دارای خاستگاههای جغرافیایی متعددی هستند؛ برخی ساکن شهرهای بزرگ و پرجمعیتی مانند تهران، اصفهان، تبریز و ...، برخی ساکن شهرهایی با جمعیت متوسط (مانند اغلب شهرستانها) و برخی ساکن در روستاها بوده اند؛ لذا در این تحقیق امکان بررسی رابطه «توسعه یافتگی» با «رضایت از زندگی» فراهم می گردد در حالیکه غالب تحقیقات در حوزه جغرافیایی محدودی انجام می پذیرد و امکان این نوع بررسی را برای محقق فراهم نمی آورد.

دوم پرداختن به مفهوم «رضایت از زندگی» است. شایان ذکر است که در نگاه به این مفهوم دو رویکرد تئوریک قابل مشاهده است. رویکرد نخست نگاه به رضایت از زندگی به مثابه یک سازه که اجزای آن از جنس رضایت است: مانند "رضایت از خانواده"، "رضایت از دوستان"، "رضایت از محل سکونت" و ... نگاه دوم به رضایت از زندگی به مثابه یک متغیر بسیط که به اقتضای کلی و عام بودن مفهوم «زندگی» معطوف به حیطه های خاص نمی گردد.

در غالب پژوهشهایی که در حوزه رضایت از زندگی در ایران انجام پذیرفته رویکرد نخست را برگزیده اند بدون آنکه این انتخاب مبتنی بر ارزیابی و توجه به رویکرد رقیب باشد. در این پژوهش، محقق سعی خواهد نمود در حد توان مختصر خود به ارزیابی تئوریک این دو پیردازد و رویکرد دوم را که رویکردی جدید در پرداختن به مفهوم رضایت از زندگی در ادبیات موجود در این پژوهش در ایران است؛ را اتخاذ خواهد نمود.

لذا اهمیت دیگر این تحقیق پرداختن تئوریک به مسئله ای است که در غالب تحقیقات صورت گرفته مغفول مانده است.

۳- سوالات پژوهش

- ۱- میزان رضایت از زندگی دانشجویان در دانشکده‌های مختلف چقدر است؟
- ۲- آیا بین میزان رضایت از زندگی دختران و پسران دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟
- ۳- آیا عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی در دانشجویان دختر و پسر، خاستگاه‌های واحدی دارد؟
- ۴- متغیرهای اصلی تأثیر گذار بر رضایت از زندگی کدامین هستند؟
- ۵- در راستای تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی سهم و میزان تأثیرگذاری هر متغیر چقدر است؟